

صاحب امتیاز: م. غبار

مدیرمسئول: ع. خروش

اداره: جاده اندرابی ۱۹ کابل

تلفون: ۱۹۵۳

وطن

هر پنجشنبه نشر میشود

اشتراک:

کابل: ۵۰ افغانی

ولایات: ۶۰ افغانی

خارج: ۵ دالر

یکشماره: ۷۵ پول

سال اول

۲۹ حمل ۱۳۳۰

شماره پنجم

م. غبار

مصنوعیت مال و جان

آبادی یک ملک متناسب با تولیدات و محصولات آنست، و تولیدات متناسب با صادرات. صادرات محتاج تجارت و بازارهای فروش است، و بازارها محتاج جنس خوب و قیمت ارزان، قیمت ارزان محتاج راه ها و حمل و نقل فر وان است، و کثرت تولید محصول محتاج کار و کارگر. و کار و کارگر محتاج اسباب کار و سرمایه است و این هر دو محتاج يك معجزه ایست که "مصنوعیت مالی و جانی مردم" نامدارد. این معجزه محتاج قوانین عادل و

و محاکم عادل است، طوری که هیچ کس و هیچ قوت در مملکت به هیچ نام و هیچ عنوان نتواند يك پول سیاه از کسی بگیرد و یا يك موی از سر کسی کم کند. این وقت است که مرد و زن، طفل و جوان، امی و عالم از جان خود، شرف خود، ناموس خود، دارائی خود، عزت و آبروی خود مطمئن بوده، و متیقن است که هیچ کس هیچ چیزی او را ربوده - نمیتواند لذا اگر دارنده است پول خود را، و اگر نادر است بازوی خود را، و اگر عالم و عاقل است فکر و دماغ خود را بکار میاندازد، و در ده سال یک مملکت ویرانه بیک معموره مبدل میشود. اینست اسرار تقدم و ترقی ملل جهان! یعنی مصنوعیت مال و جان مردم از هرگونه تعرض. و این نعمت عظیم میسر نمیشود مگر در جائیکه قانون حکومت کند و مطلق العنانی معدوم باشد. برعکس در مملکتی که سالها زیر چکش استبداد و خود مختاری کوفته شده باشد، در مملکتی که صد سال پروپاگند مغرضانه اجنبی این فارمول خاننانه را در مغز زمامداران قوم فرو کرده باشد که این مملکت آهنین و ملت آهنین محتاج حکمرانی آهنین است بالاخره در مملکتی که از يك علاقه دار گرفته تا رجال عالیه ضرب - المثل داشته باشند که این ملت "سوته مسلمان" است و بدون زور هیچ کاری نمیتوان کرد، البته آبادی مملکت مفهوم و موضوعی ندارد، زیرا در چنین مملکت قانون نیست، محاکم نیست، مردم از دیدن رؤسای ضبط احوالات مثل بید میلرزند و از دق الاباب پولیس قالب تهی میکنند، پس هرکه پول دارد دفن میکند و یا بخارج میکشد، هرکه زمین و سرای دارد، بنام دیگری قبالة میکند، هرکس عقل و علم دارد خموشی اختیار و خود را بدر نفهمی میزند، هرکس هم که بازو دارد بقتل و سرقت در داخل و یا کار در ممالک بیگانه می پردازد. در چنین مملکت است که فساد اخلاق چون دروغ اسباب سازی، جاسوسی، رشوت، چپاول، قمار چرس و بنگ

احتکار تملق، نفاق، خانه جنگی و صدها چیز دیگر عام و وبایی میشود آدم هر لحظه هر چیز خود را در خطر از خود و بیگانه می بیند، دشنام شنیدن، لت خوردن، حبس شدن، طرد گردیدن ضبط و فرار شدن، از تحصیل منع گردیدن، و این همه بدون گناه و جرم، بدون شاهد و ثبوت، بدون اقرار و اعتراف، بدون محاکمه در يك محکمه شرعی یا قانونی جز وقایع روز بحساب می آید. در چنین مملکتی است که ملک بشکل ویرانه در میاید و مردم صورت گدا کسب میکنند، در میان این قبرستان اگر یک یا چند آدمی پیدا میشود که در امور اجتماع فی المثل لیاقتی داشته و کاری میکنند هم همینکه خودشان از بین رفتند تمام آثار و خوبی های شان نیز از بین میرود. بهمین سبب است که تمام رشته های امور مملکت با رفتن یکی و آمدن دیگری زیر و زبر شده باز از صفر آغاز میشود، و بعد از پنجاه سال مملکت در همان جایی میماند که بود. در چنین مملکت هیچ اصلاحی ولو با نیت پاکی شروع شوند بجائی نمیرسد زیرا اساس امور بر پایه های درهم و برهم، بی قانونی و خودمختاری گذاشته شده و هرشی شکل معکوس بخود اختیار میکند مثلاً یکی طیاره میآورد و دیگری راه زمینی نمیسازد. یکی عمارت مکتب آباد میکند دیگری معلم و کتاب حاضر نمی نماید، یکی مجلس مقننه تأسیس میکند و دیگری حق تقنین از آن سلب مینماید و قص علها. در چنین مکان و زمانی کار نخستین خیرخواهان و دانایان قوم اینست که گذشته را فراموش کرده و سر از امروز با نیت نیک و عزم متین بواسطه انتشار فرامین، رادیوها و جرائد، تعهدات رسمی در شورای ملی با هزار زبان و هزار عمل بکل مملکت از پامیر یا اسلام قلعه و از چترال تا لب دریای جیحون بتمام ملت افغان هر طوری هست عملاً حالی و ثابت کنند که بعد از این (صفحه چهارم)

راجع بانحصارات

ع. عزیز
تصور قریب به یقین است که یکی از مقاصد اساسی حکومت از تأسیس انحصارات دولتی تقویه بودجه ملی است چون بودجه مملکت ما برخلاف معمول تمام ملل هیچ وقت نشر نگردیده تا عواید و مصارف دولت برای مردم معلوم گردد لذا با فرض اینکه حقیقتاً مصارف روزافزون و اجرای وظائف حکومت مستلزم عواید و مدارک مالی تازه و بیشتری باشد باز سوالاتی در خاطر خطور مینمایید که باید جواب آن حتی الامکان جستجو گردد. در این مورد اولین پرسش اینست که آیا واقعاً در اطراف مصارفی که بردوش ملت تحمیل گردید، غور و تعمق کافی بعمل آمده و آیا حقیقتاً مصارف کمرشکن و بیلزوم از بودجه وضع و کسر گردید ه یا خیر؟ زیرا خاصه طبایع - میذر که علما و حکماء هر حکومتی را کم و بیش بان متصف ساخته اند اینست که هر قدر پیدا کردن منابع عایدات سهولت و بدون چون و چرا میسر شود بهمان اندازه در مصرف آن لاقیدی و بی مبالاتی رخ میدهد و نتایج آن بر مؤدیان حقیقی یعنی توده ملت مخرب تر میگردد. پس وظیفه هیئت حاکمه و ممثلین و وکلای ملت است که پیش از همه بلزوم پیدا کردن منابع جدید عایدات بعد از موشکافی و رسیدگی قناعت حاصل نموده و سپس از بین منابع متعدده مدارکی را برگزیند که از نقطه نظر عدالت اجتماعی انعکاس و تأثیر آن بر مؤدیان، سهولت اخذ و حصول و بالاخره ثمرات و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن بر نسل موجوده و آینده مفید و مناسب باشد.

بعقیده ما عاید است حاصله از انحصارات مذکور با در نظر گرفتن ساختمان و بنیه اجتماعی و اقتصادی مملکت ما نباید برای تقویه آن حصه بودجه که مصرف قطعی و خالص بوده و مستقیماً مولد ثروت نیست تخصیص داده شود چه غرض از انحصارات و لو اینکه برای تقویه بودجه باشد باز هم حکمت های دران مضمهر و نهفته است که آن را باید [متأسفانه خوانا نیست] اولاً مشروعیت این انحصارات [متأسفانه خوانا نیست] قطعی میگردد که غایه آن دادن امتیاز [متأسفانه خوانا نیست]

از هر طرف

دیالوگ

و - برادر دیموکراسی حرف بی معنی است هر وطن از خود تقاضایی دارد دیموکراسی حقیقی در کجای دنیا است؟ شما ببینید که سیاهان امریکا در بهترین دیموکراسی عالم چه حال دارند! هتلر ژنرالهای خود را مثل گوسفند سر برید موسولینی هشت وزارتخانه را خود اداره مینمود. در روسیه دیکتاتوری یک حزب حکومت میکند، ترکیه کمالی بیست سال بقوه دیکتاتوری یک حزبه مملکت را فردوس جهان ساخت. شما تازه نام دیموکراسی را شنیده می خواهید ده میلیون نفوس ناخوان و صدها قبیله سرکش و سلحشور و خان و شیخ محلی را یکدم دیموکرات بسازید، شما نمیدانید که اگر یک روز قدرت مطلقه حکومت نباشد آدم آدم را میخورد، شهرها تاراج میشود، نه مکتب و ملا میماند و نه ترتیب و تمدن. اول هم که شما با سوت بوت و داگ استک روی سرکهای کابل گردش میکنید از بین میروید آیا دوره سقو فراموش تان شده؟

ر - جنابعالی مکرر نشوید ما کی گفتیم دیموکراسی. شما خود گفتید دیموکراسی و بدنیا، داخل و خارج اعلان کردید که ما دیموکرات هستیم و ما بروی شما گفتیم دیموکراسی. ما چه میفهمیدیم که شما دروغ میگوئید، و قلباً مخالف دیموکراسی هستید. و اما در باب دیموکراسی امریکا و اروپا و آسیا که گفتید عرض دارم ...

و - باش فضولی لازم نیست. درست است که ما خود گفتیم دیموکراسی ولی باید بدانید که هدف ما دیموکراسی است که شاید پنجاه سال بعدتر بآن برسیم، اما فعلاً دیموکرات شده نمیتوانیم هر چیز در دنیا تابع تدریج و تکامل است، خیال شما فرانسه بیک روز دیموکراتیک شده؟ افسوس که شما مردم نه مطالعه دارید و نه دنیا را دیده اید راستی از محیط ما و تربیه پست محیط چه انتظار بالاتر از این میتوان داشت.

ر - جنابعالی عفو بفرمائید؛ سئوالی دارم تاریخ ظهور و تکامل فن هواپازی و طب جدید چقدر عرصه زمانی دربر گرفته است؟

و - درست بیاد نیست شاید دو سه صد سال شده باشد.

ر - خوب با قبول فرض شما در صورتیکه افغانستان تازه از صفر شروع کرده بایستی بعد از دو قرن دیگر پیلوت و طبیب میداشت. در حالیکه امروز هردو را ولو در پیمانیه کوچک دارد علت اینکه ما درین دو فن تابع تدریج نبوده ایم چیست؟

و - مودل موجود بوده از دنیای تجربه کرده گرفتیم و تطبیق نمودیم

ر - همین طور علم اداره و حقوق در دنیا بعد از تجارب تکامل کرده و ما میتوانیم در شش ماه آن را گرفته و تطبیق کنیم پس چرا پنجاه سال صبر کنیم؟

و - برادر هر شی شرایط مخصوصی بکار دارد، هواپازی و طب محتاج چند نفر است که در ده سال ممکن میشود، ولی دیموکراسی [متأسفانه خوانا نیست] مردم است که در پنجاه سال نمیشود.

[متأسفانه خوانا نیست] خودش دیموکراسی است وقتی که در عربستان

ظهور نمود ملت آنوقته عرب از ملت امروزه افغانستان عالم تر عاقل تر و با تمدن و علوم بشری آشناتر نبودند چسان در اندک مدت دیموکرات، و منبع انتشار دیموکراسی در دنیای متمدن هم شدند؟ آیا ملت عام عراق و هند و مصر و ایران از عامه الناس افغانستان امروز عاقل تر و عالم تر هستند؟ نی جناب عالی اشتباه کرده اید، این ممالک را فقط فیصد چند نفری است که دیموکرات ساخته اند و در زیر حکومت دیموکراتیک اداره میکنند پس در افغانستان چرا دیموکراسی مهال و ممتنع باشد؟

و - آقا تنها در هند چند میلیون نفر عالم و با سواد موجود است اما در افغانستان چقدر است؟

ر - جناب عالی نفوس هند هم چهارصد میلیون است اما از افغانستان چقدر است؟

و - برادر راست راست درون دروغ اصلاً ترتیب دیموکراسی مخالف امنیت پیشرفت و ترقی یک قوم پس مانده است در هر جا که باشد. شما بفرانسه به یکبار نظر بیندازید!

ر - اجازه بدهید از ابتداء عرض کنم کاری که دیموکراسی امریکا در باره سیاه پوست ها میکند حکومت مطلقه بدتر از آن را شب و روز در باره ملت، هم نژاد و همزبان و همدین خود میکنند. جرمنی و ایتالیا بواسطه دیکتاتوری برباد شدند - و فرانسه بواسطه دیموکراسی زنده ماند. این نکته را باید در نظر داشت که در افغانستان دعوی سر دیکتاتوری و دیموکراسی نیست بلکه دعوی سر وحشت و خونخواری و بی قانونی است. ورنه دیکتاتوری های ایتالیا و آلمان و ترکیه هم قانونی و نوع از دیموکراسی بوده اند اینکه میفرمائید اگر قوت، مطلقه حکومت نباشد افغانستان در یک روز ب خاک برابر میشود درست نیست همان ظلم و فشار حکومت بی قانون مطلق العنان افغانستان بود که چندین بار افغانستان ب خاک برابر شد. ترس ما و فریاد ما از همین است که باز چنین روزی بر سر وطن ما نیاید زیرا نه تنها شما بلکه ما و مملکت ما هم زخم مهلکی برخورداریم داشت. اینست که برای جلوگیری از چنین چیزی دیموکراسی یعنی قانون عدالت، مساوات و آزادی مشروع میخواستیم زیرا ملک برای کفر باقی میماند اما برای ظلم نی.

و - برادر یک نکته دیگر در بین است که اگر دیموکراسی - دفعه بمردم داده شود دست های اغراض و یا ساده لوح و یا انتقام خواه سوء استفاده کرده در قول و عمل و تبلیغ خود وسایل ضعف دولت و اغتشاش ملت را فراهم (باقی در صفحه ۴)

سهی

عرضه و تقاضا

میدانیم در بازار هیچ جنسی عرضه نمیگردد مگر آنکه خریدار داشته باشد هر قدر خریدار يك مطاع زیاد است بهمان تناسب مطاع بیشتر عرضه میگردد و هر قدر خریدار کم، جنس کم و گر مطاع در بازار هیچ خریدار ندارد بکلی گم میشود عین این حالت در مورد امور و اخلاق اجتماعی تطبیق میگردد. بطور مثال: در پاریس هیچ گاه فالبین و مارگیر موجود نمیشود چونکه مردم نه بآن احتیاج و نه دلچسپی دارند، ولی در لکنهو رمال و افسونگر زیاد است برای آنکه مردم بآن آترست و یا احتیاج حس میکنند، و یا در دهلی و انقره مداحی و قصیده سرائی از بین رفته چونکه مردم بآن نه احتیاج و نه دلچسپی دارند ولی در کابل مدت این متاع خریدار داشت و لهذا هر روز عرضه آن بیشتر میگردد همچنین يك وقتی بود که در محیط ما خشونت، پاک رگ گونی و صاف حرفی خریدار داشت هر کس سعی میکرد متاع ازین نوع به بازار اجتماع عرضه کنند و هر شخصیکه بیشتر باین اوصاف متصف بود بیشتر ستوده میشد وقتی هم آمد که جبن و تملق در برابر بزرگان و ارتشاء و ظلم و تکبر در مقابل زبردستان مرغوبیت یافت اینست که هر آدم و هر مامور در برابر مافوق مثل تن عریان از باد زمستان میلرزید و مانند قاننی قصابید مدحیه اما منثور میسرود ولی در قدیم مردم بیچاره هر يك از اینها مانند حکمداران - سلسله دوازده وادی نیل دعوی مقام فوق بشری داشت اینها سخن بچشم و ابرو میگفتند، و در میان یک انبوه مردم چند حاضر باش شکم گرسنه و قمچین دار با تفاخر طفلانه حرکت - میکردند بعضاً چند دانه یابوی لاغر هم بعنوان يدك آنها را بدرقه مینمود، و اینها که هیچ جنگی خارجی را فتح نکرده و در برابر قدرت ممالک دیگر مثل گوسفند از دور با دیده حیرت و خوف نظر میکردند در داخله مثل شیر ژبان بجان رعیت فقیر می افتادند. ولی امروز که خوشبختانه محیط دولت و ملت تقاضای عدالت، آزادی، مساوات، تمدن و ترقی مینماید با مسرت دیده میشود که مردم نیز امتعه جدید دیموکراسی را اقلأ قولاً و بعضاً عملاً در بازار اجتماع عرضه مینمایند پس طبعاً جای امیدوار نیست که به حکم این عرضه و تقاضای جدید دیری نمیگذرد که باب جدیدی در تاریخ وطن افغانستان باز خواهد شد و مملکت به شاهراه تمدن جدید داخل خواهد گردید بشرطیکه چشم زخمی نیفتد و درین تحول و انتقال اجتماعی صبر و حوصله در برابر افراط و تفریط از دست نرود آنوقت خواهد بود که آرزومندان قدرت و سطوت نه از راه ظلم و چپاول بلکه از راه خدمت بجامعه، از راه انتظام ملک از راه توسیع دایره مدنیت پا بر مسند، بزرگی و افتخار حقیقی و تاریخی خواهند نهاد

مکاتیب وارده

۱ - آقای بها طی مکتوبی ماهیت حکومت ها را تفسیر و خاطر نشان میکنند که چون حکومت، با اجزاء خود خادم ملت بوده و از خزینه ملت معاش میگیرند، لهذا اراکین حکومت حق ندارند خود را آقای ملت بشناسند و یا مامورین کوچک و مادون خود را غلامان حلقه بگوش خویش حساب نمایند، درین حکم آقای بها علماً حق بدست هستند ولی عملاً در اینجا چنین نیست چرا تا زمانی که تشکیل حکومت طبق قانون، اختیارات حکومت، طبق قانون، اجراءات حکومت طبق قانون و بالاخره مسئولیت حکومت در نزد نمایندگان ملت طبق قانون معین نگردد و نمایندگان ملت عملاً حق بازپرس از حکومت نداشته باشند تفسیر حقوقی و علمی آقای بها در مورد حکومت صرف جنبه نظری داشته و در روی کاغذ خواهد بود و تا زمانی که ملت بواسطه نمایندگان قانون گذار خود مراقبت اجراءات قانون را ننمایند این پندار کاذب، در کله ما مورین بزرگ حکومت باقی خواهد ماند که مامورین جز و کوچک در حیات، در خدمت، در مکافات، در عزل و نصب و الحاصل در هر چیز خودها سپرده رحم و شفقت ایشان است و بس. ۲

- آقای محمد حسن خان جاجی پیشنهاد میکنند که جوانان مملکت بایستی از تجمل و اسراف در خوراک و پوشاک منصرف شده از پیروی فیشن های روز چشم ببوشند و مخصوصاً در لباس استعمال پارچه باب وطنی و سایر اشیای داخلی و مصنوعات مملکت خود را (باستثنای کلاه قره قلی) ترجیح بدهند. وطن این نظر عالی، مفید و پاک آقای جاجی را از طی قلب تائید میکند و توفیق قبول این وصیت را برای کافه هموطنان میخواهد.

۳ - آقای غلام حیدرخان پنجشیری، مینویسد که وزارت جلیله معارف بانئستی در علاقه داری های اول و دوم پنجشیر بلافوت وقت به تاسیس مکاتب ابتدائی بپردا زند - و هم در مکاتیب مسجدی محلی بدادن کتب و لوازم و رهنمایی در نشر معارف مساعدت و همراهی نمایند. همچنین برای متعلمین بالاتر از صنف شتم مکاتب رخه و بازارک پنجشیر برای شمول و تعقیب تعلیمات متوسطه در مکاتب و لیسه های دیگر چانس دخول داده شود. و طن بعد از تائید نظر آقای پنجشیری منتظر اقدام و جواب وزارت معارف است.

۴ - آقای محمد شریف خان متقاعد مینویسد - بعضاً اشخاص پیشکی عسکری برهنمونی اربابان و خوانین محلی بنام فرار و فوتی قلمداد و مجلا میشوند. بعدها این مردگان مصنوعی

و فراریان زیر اجبار و ستم همان اربابان قرار گرفته و حتی اراضی مزروعه شان از طرف ارباب ها تملک میشود و ایشان چون قیلاً مرده و فرار قلمداد شده اند از ترس سر بر نمیآورند اگر وزارت داخله و ریاست اردو و اخذ عسکر فی المثل اعلان شایع و این گونه مقصرین قانونی و مرده گان و فراریان کاذب را از جرم گذشته معاف قرار بدهند البته عده بسیاری مجدداً زنده شده و دارای هستی خویش می شوند. وطن: - هر که گریزده ز خراجات شاه

بارکش غول بیابان شود

۵ - آقای م. ش سوال میکنند: - الف از مجلس شورای ملی و وکلای کابل که درین دوره کدام کدام قانون را برای انتظام امور و حفظ حقوق ملت وضع، در دسترس ملت گذاشته اید و چقدر قوانین سابق را تعدیل یا تبدیل کرده نید؟ و آیا از اجرای قوانین مراقبت شده یاخیر و اگر شده فیصد صد خیریت بوده است؟ (ب) از وزارت معارف که سالانه چقدر نفوس در چقدر مکاتب افغانستان تحصیل و سال چند نفر فارغ التحصیل میشوند. مصارف اینها در سال چقدر است؟ و برای باسواد ساختن ملت بعلاوه ئی مکاتب موجوده - چه وسایلی در نظر گرفته شده است، امید است وقتاً فوقتاً برای اطلاع عموم این نوع احصائیه ها از طرف وزارت معارف منتشر گردد. ج - وزارت، اقتصاد و فوائدعامه نیز باید احصائیه های در ظرف سال از کار روانی های خود در جرائد نشر نمایند و هکذا وزارت عدلیه و معدن و امثال آنها.

- آقای عبدالحمید خان عاطفی مینویسند: - رفیق ترجمانم در یکی از وزارت باصطلاح "عام المنفعه" میگفت در سالهای ۲۸ - ۳۲۹ یک عده انجنیر و مهندس استخدام و برای معاینه امور و ترتیب راپور اعزام شدند بعد از آنکه در بدل معاش گزاف اینها راپوری تهیه و تقدیم کردند راپورهای شان در دوسیه های فراموش محبوس شد و در عوض راپورت های آن انجنیران و متخصصین برای ترجمه بمن داده شد که در سال ۱۳۲۲ یعنی هفت سال پیشتر مرتب گردیده و تا حال در زاویه نسیان گذاشته بود.

حال شما انصاف بدهید که آیا دولت و ملت برای مامورین مسئول معاش و لوازم و موتر و رتبه برای همین مطلب میدهند که آنها مثل اجانب ادارات مارا اشغال کرده و روزانه مثل مجالس عروسی یا تعزیه در اداره مشغول تفنن و چای و چلم باشند و در نتیجه یک راپورت متخصصین را برای احیای یک رشته از امور اجتماع هفت سال در دوسیه حفظ و بعد از آن ترجمه کنند: اگر این عمل در ذات خود کارشکنی و دشمنی *

احزاب هندوستان

بزرگترین حزب هندوستان کانگرس ملی است که اعضای آن چهار انه میپردازد و پیرهن وطنی میپوشد، بین هر دو جنگ جهانگیر کانگرس با روش مبارزه "منفی" کارهای مهمی در مبارزه محصول نمک، شکست، امتعه لنکاشایر و منسوجات ابریشمی اروپا و غیره نمود و امروز دولت هند را در دست دارد. در اوائل کانگرس حزب ملیون هندو و مسلمان، هندوستان بود. ولی پسان حزب وی افراطی مرتجع مذهبی از آن بنام های "مسلم لیگ" و "هندو مهاسب"، منشعب گردیدند. که اولی بنام مسلمانان هند خانه مستقل می خواست و محمد علی جناح قاید آن بود و دومی هواخواهان بت پرستی قدیم و عنعنه ماضی، بحیث یک حزب ارتجاعی و فاشیستی میباشد. تروریست های "ار، اس، اس" که قتل عام مسلمین هند و مستر گاندی، زائیده اعمال آنهاست، در حقیقت تشکیل نظامی هندو هم میباشد. حزب کوچک مسلمان "خاکسار" و پیشوای، آن "علامه مشرقی" بود که بدست مسلم لیگ مغلوب گردید، حزب دیگر مسلمان "احرار" که در مبارزه با استعمار سهم بارز داشت تقریباً در کانگرس منحل شده. حزب "اخا" منصوب به مذهب سک است "تاراسنگ" آن را قیادت نموده "سکستان" مستقل میخواست. ولی این حزب پس از آنکه آتش جنگ هندو - مسلمان را در پنجاب آتش زد بمقصد خویش نائل نگردیده نفوذش رو بزوال رفت. در این موقع بعد از کانگرس، حزب سوسیالیست در جامعه هند خصوصاً در بین کارگران نفوذ زیاد دارد. لیدر بزرگ آن "جای پرکاش نراین" است. این حزب برای اولین انتخابات هند که در ماه نومبر آغاز میشود دو هزار نفر کاندید تعیین نموده و با کانگرس زور آزمائی میکند. کمونست ها بغیر از بعضی نواحی محدود نفوذ قابل اعتناء در هندوستان ندارند.

* بملت نیست چیست که در بدل هزارها دالرخون ملت یک عده متخصص استخدام و راپورشان بی ترجمه ماند و باز برای همین کار دیگر متخصص استخدام و مجدداً راپورت گرفته شده و در دوسیه قید گردد؟ آیا در بدل این پول چقدر بیسواد خوانا و چند مکتب آباد و چند میل راه کشیده میشد و....

وطن: ما در صحت این روایت شاید شکی نداشته باشیم و ممکن است امثال این قضایا را در اکثر امور خویش بچشم سر ملاحظه کرده باشیم، ولی چون نویسنده محترم و راوی مکرم نام وزارت و متخصصین و موضوع بحث را توضیح نکرده و بطور کنایه سخن زده اند لهذا از استیضاح از وزارت مربوطه و مامورین ذی علاقه عاجز و از دادن نظریه خویش هم معذوریم جای یاد آوری است که از این بعد نویسنده گان محترم مطالب انتقادی خویش را بدون ترس واضح، مختصر مدلل نوشته و نظریه اصلاحی خویش را بان ضم کرده بفرستند.

اخبار هفته

م. سباسی

احوال ایران - نفت عراق - انتخابات لبنان - گیاه جدید - قرارداد صلح - نانبان وزراء خارجه

طهران: اوضاع ایران هنوز مثل موی زنگی در هم افتاده، کابینه جلسات سری نمود و شاه با بیماری در آن حصه گرفت کارگران و مستخدمین شرکت نفت بالای قبرستان شهداء اغتشاش نفت فاتحه تعظیم خواندند و درجه رشد سیاسی خود را بدینا نشان دادند، حکومت نظامی در مناطق نفت از مجلس ملی تصویب شد، به کابینه حسین علا رای اعتماد داده شد، رجال ایران در داخل و خارج علت این اغتشاشات را رفتار عنودانه انگلیسهای شرکت نفت اعلام کردند و بس. کفیل خارجه ایران پروپاگند تحریک ایران را از طرف شان تکذیب و گفت شورای ایران نماینده ایران است و ملی شدن نفت را خواهان. اظهارات د پین اچپیس که مذاکرات امریکا و انگلیس مربوط بمسائل دفاعی حوزه های نفت است و ربطی به روابط ایران و انگلیس ندارد - رجال ایران را هنوز از سوء ظن خارج نکرده است.

بغداد: هشتاد نفر وکلای ملت پیشنهاد ملی شدن نفت عراق را به شورا نمودند.

لبنان: در انتخابات شورای ملی پنجاه فیصد نفوس لبنان اشتراک و بدینصورت ریکارد استعداد ملی را در امور اجتماع در مشرق زمین قایم کردند.

مراکش: ژنرال ژون حاکم ملی و نظامی مراکش منصوب گردید و خیرهای مراکش بواسطه سانسور بخارج نمیرسد، عرب لیگ پریشان است و نتیجه رفتار ظالمانه فرانسه در این گوشه مشرق هنوز مجهول است

دهلی: گیاه جدیدی در جنگلات هند مکشوف شده که درصنعت و تجارت جای جوت را خواهد گرفت. در اینصورت موازنه تجارتی پاکستان با هند برهم خواهد خورد.

لندن: امریکا گفت استنکاف او از شمولیت مردم چین در قرارداد با جاپان معنی این را ندارد که انگلستان نتواند مسوده قرارداد را به حکومت مردم چین بفرستد. همچنین امریکا قبل از امضاء قرارداد جاپان، نیوزیلند و استرلیا را در مقابل هر تعرضی ضمانت خواهد کرد.

پاریس: بالاخره نمایندگان دول غرب در مجلس نانبان وزراء خارجه پیشنهاد کردند که کنترول و تجدید اسلحه و همچنین مذاکره بر قضیه تریست در آن شامل است مشروط بر اینکه قضیه تریست از قضیه قرارداد صلح ایتالیا جداگانه و مجزا تحت مذاکره قرار گیرد. گرومیکو گفت مذاکرات مجلس اینک یک قدم پیش رفته است.

کابل: در اتراعتصاب تقریباً یکهزار نفر مغازه داران پرچون فروش کابل در برابر مقررات جدید کنترول نرخ و فروش اشیا وارداتی که یکروز دوام نمود یکنفر مغازه دار محمد عمرخان نام توقیف گردید ولی هنوز نتیجه تحقیقات ابتدائی و نوع جرم و مقدار مجازات او معین نگردیده و البته مطابق قانون معین و اعلام خواهد شد.

دیالوک

خواهند نمود و بعید نیست دست رقیب خارجی هم داخل شود. پس ناچار نیست که دیموکراسی به تدریج داده شود.

ر- جناب عالی وقتیکه دولت خودش را حامی و ناشر دیموکراسی

راجع بانحصارات:

و محتروم که از این ممر به صنوف اجتماعی مؤلده تاجر و مصرف کننده میرسد، تا تشکیل سریع سرمایه ها که گردآوردن آن در مدت کم و به پیمانان وسیع از عهده اشخاص انفرادی و شرکت های سهامی عادی ساخته نیست، معاوضه و جبران گردد و این سرمایه را برای انکشاف و توسعه منابع اقتصادی مملکت از قبیل استخراج نفت، کشیدن خط آهن و راه ها، بستن بندها و غیره مصرف گردد که یا به عباره ساده تر عایدات حاصله از انحصارات باید برای تقویه بودجه عادی مصرف نگردیده و برای انکشاف منابع اقتصادی و تدارک و سایل رفاه اجتماعی خرج گردد. یک نظر سطحی نظر بتاریخچه انحصارات دولتی در ممالک همکیش و برادر ما ترکیه و ایران نشان میدهد که این ممالک بودجه انکشاف اقتصادی بیشتر از همین ممر تکافو گردیده و با وجود نشیب و فرازها و سهو و خطاهای که احتراز قطعی از آن میسر نیست نتایج درخشان و ثمرات شربنی بانها داده است، کاش امروز میتوانستیم نتیجه انحصارات چندین ساله خویش را با حفظ تناسب کم و کیف و شرایط محیطی با نتایج انحصارات ترک و ایران یعنی خط آهن سرتاسر ایران و تاسیسات بانکهای صنعتی و کار ترکیه مقایسه نماییم. ثانیاً باید محل صرف وجوه حاصله از انحصارات اولتر از همه تقویه خود منابع انحصاری باشد تا منافع که از این انحصارات دستگیری میکند بایستی مثلاً یک حصه آن برای توسعه فابریکات شکر، توریید ماشین های زراعتی و کمک و معاونت به دهاقین و زارعین لبلبو مصرف گردد و مازاد آن برای تقویه و انکشاف سایر منابع تولیداتی صرفت گردد. فعلاً به تذکر نقاط فوق اکتفا کرده، پیشنهاد مینمایم که اصل فوق در حین مباحثات در شورای ملی ومقامات ذی صلاحیت مورد نظر قرار گرفته و احياناً در صورتیکه مورد قبول واقع گردد در قانون، اساسنامه و لوايح مربوطه انحصارات صریحاً قید و ثبت گردد.

اعلام و عملاً وارد میدان میشود. تمام مردم چیز فهم و ملت دور دولت جمع میشوند و زمینه قبول پروپاگند مخالفانه از بین میرود آنوقت اکثریت از دولت است در این کار ضعف گذشته دولت را تلافی کرده و به قوت دولت میفزاید، زیرا پروپاگند تا وقتی مؤثر میباشد که ملت ناراضی باشد وقتیکه ملت راضی شد دیگر ترس از تبلیغ دشمن باقی نمی ماند مگر در میدان جنگ. اما اینکه فرمودید دیموکراسی بتدریج داده میشود کل مردم با شما موافقت دارند و آنکه یک زره عقل دارد مخالف این تدریج نیست فقط بشرط آنکه دولت مابین "تدریج" و "ترکیب" فرق گذارد در حالیکه (نگذاشته است) مثلاً تدریج این است که با قبول اصل دیموکراسی یکی از ارکان آن اولتر عملی شود فرض کنیم میخواهید اول مجلس تقنینیه داشته باشید یا آزادی جرایم، یا آزادی احزاب، یا ادارات قانونی، و یا ... در اینصورت هرکدام را که اول اختیار کردید بگذارید که عملی شود، باینمعنی که نه خواهید شورا باشد و اختیار نداشته باشد، قانون باشد و تطبیق نشود، آزادی باشد و تهدید شود ... اینکه تدریج نیست بلکه یک ترکیب بوقلمون است که زهر آن از استبداد کشنده تر است و اما دولت تا زمانیکه اردو دارد و ملت راضی دارد هیچ *

مصنویت مال و جان

بحکم خدا بحکم پادشاه، شاه بحکم قانون مال و جان، عرض و آبروی ملت افغانستان محفوظ و مصئون بوده و به هیچ اسم، به هیچ رسم، به تمایل هیچ حاکم و سردار و مقتدر بجان و مال مردم تعدی و تجاوز بعمل نمی آید از این بعد بالای نیت مردم افغانستان حکومت قضاوت نمیکند، بلکه بالای عمل مردم محاکم، قضاوت خواهند نمود. از این بعد بیک اشتباه کسی به زندان نمیرود و احدی به پیشنهاد فلان آقا و رنجش فلان سرکرده طرد نمیشود و الحاصل از این به بعد است که هر مظنون و مجرم در محاکم علنی شرعی و قانونی اول محاکمه و ملامت، و باز مجازات میشود. از این بعد زنجیر، چوب، دشنام، طرد اولاد از مدارس، ضبط اموال دیگر وجود ندارد، بعد از این در برابر قانون وزیر و سردار و حاکم و بقال و کهنه دوز مساوی و برابر هستند. لهذا بواسطه تعین کمیسیون های شورا و حکومت و عدلیه تمام مجرمین و یا متهمین سیاسی که بدون محاکمه علنی و اثبات جرم سالهاست، در محابس افتاده اند دوباره آزاده و رها شده تلافی خسارات وارده شان کرده میشود. تمام معزولین و مطرودین محاکمه نشده مجدداً در خدمات دولتی قبول میشوند، تمام مفروین محکمه نادیده و پس به جاهای شان رجعت داده میشوند و از این به بعد است تا آینده هر مجرم و متهم از طرف پولیس مطابق قانون تعقیب و محاکمه و مجازات بیدریغ میشود. خواه این مجرم کافر باشد خواه مسلمان، خواه متمول باشد خواه مسکین، خواه آمر باشد، خواه مامور، خواه جاسوس داخلی باشد، خواه خارجی، خواه مخالف دین باشد، خواه مخالف دنیا، از این به بعد جرم متهمین بطور **اور سر بم اتوم ل زد و های** ضبط احوالات کذائی که مملکت را به قبرستان خوفناک تبدیل کرده بود و یا در قلوب آمرین بزرگ، بطور ذخیره پنهانی نگاه نخواهد شد و گناه هرکس بی پروا، در جرایم نشر خواهد گردید زیرا گناه که دیگران میکنند از نشر آن حکومت شرمسار نمیشود. از این به بعد است که سرمایه عقل، و بازوی ملت بدون خوف و اضطراب، بکار افتاده و در چند سال کشور افغانستان اقلأ به پایه همسایه های خود خواهد رسید والا فلا! باید متیقن بود که سواى این ترتیب دست بهر اصلاح که زده شود بیسود است و بنیان ملک از تهداب خواهد پاشید.

* وقت از اعطای آزادی و مساوات و عدالت و قانون ضعیف نمیشود.

و - خوب برادر يك، فکر کرده باز با شما صحبت خواهم نمود

ر - اختیار دارید فقط اینقدر ملتفت باشید که دو خربوزه بیک دست گرفته نمیشود یا قانون و یا استبداد از این دو یکی را انتخاب کنید چون استبداد را سالها تجربه کرده و اضرار آنرا بچشم سر دیده آید گمان میکنم راه بهتر که هنوز تجربه نشده اختیار شود یعنی حکومت قانونی - دیموکراسی است .

در حاشیه اخبار احصائیه

عراق دارای چهار میلیون ششصد هزار نفوس ست و تولیدات نفت، آن تقریباً سالیانه فی نفری یک تن پترول است

(در مطبعه ملی طبع شد)

باز تایپ و تدوین دیجیتالی: قاسم آسمایی

نشر: صفحه انترنیتی راه پرچم نومبر ۲۰۱۹